



بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام - 2 / آبان / 1400

بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام به مناسبت ایام هفته وحدت و ولادت نبی مکرم اسلام (ص) (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

خیلی خوش آمدید حضار محترم، و من به همه‌ی شما خوشامد عرض میکنم؛ مخصوصاً به میهمانان عزیز نشست وحدت اسلامی و برادرانی که از کشورهای دیگر به اینجا تشریف آورده‌اند. تبریک عرض میکنم میلاد باسعادت حضرت نبی مکرم و رسول اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) را و همچنین ولادت باسعادت حضرت امام صادق (علیه الصلوة و السلام) را که در سال ۸۳ هجری، منطبق با روز ولادت نبی مکرم اتفاق افتاده است.

ولادت پیغمبر اکرم در واقع شروع یک دوره‌ی جدید در زندگی بشر است؛ بشارتی است برای آغاز یک دوره‌ی تازه‌ای از اراده‌ی الهی و تفضلات الهی بر بشریت؛ لذا این ولادت حادثه‌ی خیلی عظیم و بزرگی است. واقعاً با زبان متعارف و معمولی نمیشود عظمت ولادت پیغمبر را توصیف کرد؛ این حادثه، حادثه‌ی خیلی بزرگی است. بعضی‌ها با زبان هنر و شعر مطالبی گفته‌اند و میگویند که خب یک تصویری، ترسیمی از این قضیه است: ولد الهدی فالكائنات ضياء و فم الزمان تبسم و ثناء (۲)

زبان هنر این جوری حرف میزند: هدایت متولد شد؛ سراسر وجود، نورباران شد؛ لبهای روزگار به تبسم و ستایش گشوده شد. با این جور تعبیرات میشود عظمت این حادثه را تا حدودی به ذهن نزدیک کرد؛ حادثه‌ی مهمی است.

عظمت حادثه‌ی ولادت پیغمبر به قدر علو مرتبه‌ی پیغمبر است؛ همان رتبه‌ی عظیمی که در عالم وجود، از اول خلقت تا آخر، خدای متعال موجودی با این عظمت نیافریده است؛ و عظمت امانتی که خداوند بر دوش او گذاشته است؛ که به خاطر این امانت بزرگ، خدای متعال میفرماید: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛ (۳) مت میگذارد بر بشریت؛ عظمت، این جوری است. خداوند متعال، کتاب مکنون را بر قلب مقدس پیغمبر نازل کرد، بر زبان مطهر و پاک آن بزرگوار جاری کرد؛ برنامه‌ی سعادت بشر را به طور کامل به او سپرد، بر دوش او گذاشت و او را مأمور کرد که این برنامه را، هم عمل کند، هم ابلاغ کند، هم از پیروان خود مطالبه کند.

خب، حالا ما پیروان همین پیغمبریم؛ ما خودمان را منتسب به این پیغمبر میدانیم. وظیفه‌ی ما چیست؟ در هر دوره‌ای از دوره‌های زمان وظیفه‌ی مؤمنین این است که ببینند در چه موقعیتی قرار دارند و دین از آنها چه میخواهد و چه مأموریتی را بر عهده‌ی آنها میگذارد؛ آنچه باید به آن بیندیشند و آنچه باید به آن عمل کنند؛ این را در هر دوره‌ای باید بفهمند. خب، در این زمینه‌ها علما و روشنفکران دینی بحث زیاد کرده‌اند و حرفها زده‌اند و بحثها کرده‌اند. من در این جلسه یک مختصری در این زمینه‌ها میخواهم عرض بکنم که یک نگاه به امت اسلامی است، یک نگاه به مجموعه‌ی ایران و جمهوری اسلامی در ایران است.



در مورد آنچه مربوط به امت اسلامی و مربوط به کلّ مسلمانها است، دو نکته باید مورد توجه قرار بگیرد که درباره‌ی آن مختصری صحبت میکنیم. یکی مسئله‌ی اداء حقّ جامعیت اسلام است – اسلام دین جامعی است و باید حقّ این جامعیت را اداء کرد؛ این یک مسئله است – یک مسئله هم مسئله‌ی اتحاد مسلمین است؛ این دو مسئله جزو مسائل مهمّ روز ما است؛ البته مسائل روز، متعدّد داریم که اینها هم جزو مهم‌ترینش است.

در مورد مسئله‌ی اداء حقّ جامعیت اسلام اصراری وجود داشته است و دارد – که عمدتاً هم این اصرار از سوی قدرتهای سیاسی مادی است – بر اینکه اسلام را در عمل فردی و عقیده‌ی قلبی منحصر کنند؛ این تلاش از قدیم بوده است؛ حالا من نمیتوانم یک تاریخ معینی را مشخص کنم که از این زمان شروع شده اما از حدود صد سال، صد و خرده‌ای [سال] پیش این تلاش در دنیای اسلام به طور برجسته مشاهده میشود. در دوره‌ی تشکیل جمهوری اسلامی این تلاش مضاعف شده است؛ سعی هم میکنند که شکل سیاسی به این [کار] ندهند و شکل فکری بدهند؛ به تعبیر فرنگی تئوریزه کنند این را. به متفکرین و نویسندگان و فعالان فکری و مانند اینها مأموریت داده میشود تا درباره‌اش مطلب بنویسند و اثبات کنند که اسلام به مسائل اجتماعی، مسائل زندگی، مسائل اساسی بشریت کاری ندارد؛ اسلام یک عقیده‌ی قلبی است، یک ارتباط شخصی است با خدا و عملیات فردی‌ای است که مترتب بر این ارتباط است؛ اسلام این است؛ اصرار دارند این را در ذهنهای مخاطبین خودشان اثبات کنند.

از نظر این گرایش باطنی سیاسی و ظاهراً فکری، عرصه‌های مهمّ زندگی و مناسبات اجتماعی از دخالت اسلام باید خارج بشود؛ در مدیریت جامعه و تمدن‌سازی، اسلام در مورد تولید تمدن و ساخت تمدن بشری نقشی ندارد، وظیفه‌ای ندارد، امکانی ندارد؛ در مدیریت جامعه نقش ندارد، در تقسیم قدرت و ثروت در جامعه، اسلام نقشی ندارد؛ اقتصاد جامعه، مسائل گوناگون جامعه مربوط به اسلام نیست؛ یا مسئله‌ی جنگ، مسئله‌ی صلح، سیاست داخلی، سیاست خارجی، مسائل بین‌المللی. گاهی می‌شنوید گفته میشود که «دیپلماسی را ایدئولوژیک نکنید»، با ایدئولوژی مربوط [نکنید] یعنی اسلام در مسئله‌ی سیاست خارجی و مسائل بین‌المللی بایستی اظهار نظری نکند؛ در مسئله‌ی اشاعه‌ی خیر، اقامه‌ی عدل، مقابله‌ی با شرور، مقابله‌ی با ظلم، جلوگیری از اشرار عالم، در این زمینه‌ها، اسلام کاره‌ای نیست. در این عرصه‌های مهمّ زندگی بشری، اسلام نه مرجع فکری باشد، نه راهنمای عملی باشد؛ این اصراری است که دارند. حالا علت این اصرار چیست، منشأ آن چیست، از کجا شروع شده، اینها دیگر بحثهای مربوط به صحبت امروز من نیست. آنچه من میخواهم عرض بکنم این است که اولاً این حرکت در واقع ضدّ اسلامی، عمدتاً از سوی قدرتهای سیاسی بزرگ دنیا است و آنها هستند که در این زمینه فعّالند و تلاش میکنند و سعی هم میشود که از زبان صاحبان فکر بیان بشود.

خب متون اسلامی صریحاً این را رد میکنند و ما مسلمانها به این مسئله باید اهمّیت بدهیم. اینکه عرض میکنم «اداء حق»، در درجه‌ی اوّل این است: تلاش کنیم نظر اسلام را درباره‌ی خودش که به کدام عرصه از عرصه‌های زندگی اهتمام می‌ورزد، در آنها نظر دارد، اقدام دارد، تبیین کنیم، ترویج کنیم، بیان کنیم؛ اوّل قدم این است، بعد هم سعی کنیم [این مطلب] تحقق پیدا کند.

آنچه اسلام مطرح میکند، این است که عرصه‌ی فعّالیت این دین، تمام گستره‌ی زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی، تا مسائل سیاسی، تا مسائل بین‌المللی، تا مسائلی که به مجموعه‌ی بشریت ارتباط دارد. در قرآن، این معنا واضح است؛ یعنی اگر کسی این قضیه را انکار کند، قطعاً به بیّنات قرآن توجه نکرده. در قرآن، یک جا میگوید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، (٤)** که مطلب یک مطلب قلبی و مربوط به دل انسان است، اما یک جا هم میگوید: **الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ؛ (٥)** این هم هست؛ یعنی از آن «اذْكُرُوا اللَّهَ» تا «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ»،



همه‌ی این عرصه‌ی عظیم در حوزه‌ی تصرف دین است. یک جا خطاب به پیغمبر میفرماید که «قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»، (۶) یک جا هم باز خطاب به پیغمبر میفرماید که «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (۷) یعنی همه‌ی این عرصه‌های عظیم زندگی: از بیداری نیمه‌ی شب و تضرع و توسل و دعا و گریه و نماز، تا مقاتله و حضور در میدان جنگ، که زندگی پیغمبر هم همین را نشان میدهد.

در احکام مالی، یک جا میفرماید: وَ يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، (۸) که یک امر شخصی [است]، و یک جای دیگر میفرماید: کِی لَا یَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ، (۹) [یعنی] تقسیم درست ثروت که مسئله‌ی صد درصد اجتماعی [است]؛ یا میفرماید که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (۱۰) اصلاً انبیا و اولیا و همه آمده‌اند برای اقامه‌ی قسط، برای اقامه‌ی عدل. یک جا میفرماید: وَلَا تَوَثُّوا السُّقْهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا، (۱۱) یک جا میفرماید: خَذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ (۱۲) یعنی همه‌ی گوشه و کناره‌های مسائل مالی را به شکل آن فکر کلی و نظر کلی و هدایت کلی [بیان میکند]؛ که البته اینها باید برنامه‌ریزی بشود در عمل؛ اما کلیات و جهت‌گیری، اینهایی است که بیان میکند. یعنی اسلام در همه‌ی این مسائل دارای نظر است.

در مسائل امنیتی و مسئله‌ی امنیت داخلی جامعه: لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَفِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَتُغْرِيَنَّاكَ بِهِمْ؛ (۱۳) مسئله‌ی امنیت. یا «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ؛ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ» (۱۴) تا آخر آیه؛ یعنی اسلام در همه‌ی ابعاد مهم زندگی اجتماعی بشر حرف دارد. اینها که عرض کردیم نمونه‌های اندکی است از آنچه در قرآن کریم هست؛ صدها مورد از این قبیل در قرآن مشاهده میکنید.

کسی که اهل قرآن است و با قرآن و احکام قرآن آشنا است، میفهمد که اسلامی که قرآن معرفی میکند، این است. اسلامی که قرآن معین میکند و معرفی میکند، اسلامی است که در تمام شئون زندگی دخالت دارد، رأی دارد، نظر دارد، مطالبه دارد. خب، این را بایستی دانست و در مقابل افرادی که در این زمینه تلاش میکنند تا این حقیقت روشن را انکار کنند، بایستی پاسخگویی کرد.

[از سویی هم] چون مسائل اجتماعی و وظایف مهم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام وجود دارد، لذا اسلام به مسئله‌ی حاکمیت هم اهتمام دارد. نمیتوان فرض کرد که اسلام نظم اجتماعی را به یک شکلی مطالبه کند اما مسئله‌ی حاکمیت و ریاست دین و دنیا را در آنجا مشخص نکند. وقتی دین، نظام شد، نظامی که به فرد و جامعه ارتباط دارد، و یک منظومه‌ای شد که در مورد همه‌ی مسائل فردی و اجتماعی نظر دارد، رأی دارد، مطالبه دارد، پس بنابراین لازم است که مشخص کند در رأس این جامعه چه کسی باشد، چه باشد، و امام را معین کند. لذا [اگر] در قرآن ملاحظه کنید، حداقل در دو جا از پیامبران به عنوان امام نام آورده شده: یک جا «وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ»، (۱۵) یک جا هم «وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا»؛ (۱۶) یعنی پیغمبر، امام است، امام جامعه است، رهبر جامعه است، فرمانده جامعه است؛ لذا امام صادق (علیه الصلوة و السلام) در منی در بین جمعیت ایستاد و فریاد زد: اَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الْإِمَامُ. (۱۷) برای اینکه بفهماند که حرکت دینی صحیح پیغمبر چیست، امام صادق در منی در بین جمعیت منی فریاد زد: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الْإِمَامُ. خب، این یک مطلب است. در سطح دنیای اسلام، روشنفکران دینی وظیفه دارند، علما وظیفه دارند، نویسندگان وظیفه دارند، محققین وظیفه دارند، اساتید دانشگاه وظیفه دارند این را تبیین کنند؛ این را باید بگویند، دشمن در این زمینه سرمایه‌گذاری میکند که عکس این را، نفی این را ترویج کند.

البته در این زمینه وظیفه‌ی ما در ایران سنگین‌تر است؛ علت هم این است که در اینجا امکانات بیشتری هست، و



میشود تلاش کرد. مسئولین کشور، بخصوص مسئولین فرهنگی و افرادی که در زمینه‌هایی، منبرهای مهم اجتماعی در اختیار اینها است، بایستی این را تبیین کنند. در داخل کشور هم این جور نیست که حالا چون در جمهوری اسلامی، نظام اسلامی تشکیل شده، ما از تبیین این قضیه بی‌نیاز باشیم؛ نه، همین حالا در کشور ما هم نسبت به این موضوع یک تشکیک‌هایی ایجاد میشود، حرفهایی زده میشود و در این زمینه فعالیت داریم. خب این یک سرفصل بود که مربوط به دنیای اسلام بود.

یک سرفصل دیگری که باز آن هم مربوط به دنیای اسلام است، مسئله‌ی وحدت است، مسئله‌ی اتحاد مسلمین؛ این مسئله، مسئله‌ی بسیار مهمی است. البته ما خیلی در زمینه‌ی وحدت صحبت کردیم؛ رحمت خدا و رضوان الهی بر امام بزرگوار ما که این هفته‌ی وحدت را اعلام کردند، دنبال کردند، دائماً درباره‌ی وحدت مسلمین صحبت کردند، تأکید کردند، توصیه کردند؛ ما هم در این زمینه زیاد گفته‌ایم، در عین حال باز هم باید گفت.

من قبل از اینکه چند جمله‌ای در زمینه‌ی اتحاد مسلمین بخواهم عرض بکنم، لازم میدانم که از چند چهره‌ی برجسته و پرتلاش در عرصه‌ی اتحاد اسلامی یاد کنم؛ از جمله مرحوم آقای تسخیری (۱۸) (رضوان الله علیه) که یکی از پرتلاش‌ترین عناصر ما در این زمینه بود؛ ایشان سالهای متمادی تلاش کرد، حتی در حال بیماری تلاش ایشان ادامه داشت. پیش از ایشان مرحوم آقای آشیخ محمد واعظ‌زاده (۱۹) (رضوان الله علیه)، عالم بزرگوار، فاضل و مسلط بر علوم اسلامی که ایشان هم چند سال در این زمینه تلاش کردند؛ اینها از ایران. از سوریه، شهید بزرگوار شیخ محمد رمضان البوطی که شهید عالی‌قدری است و خیلی تلاش کرد؛ یکی از آن علمای بزرگ تقریبی دنیای اسلام مرحوم شیخ محمد رمضان البوطی (رضوان الله علیه) بود. شهید سید محمدباقر حکیم (۲۰) که ایشان هم جزو عناصر مهم تقریبی بودند. یکی از کسانی که بنده را تشویق کردند و تحریض (۲۱) کردند بر ایجاد این مجمع تقریب [مذاهب] اسلامی، شهید بزرگوار مرحوم آسید محمدباقر حکیم بودند. در لبنان هم، مرحوم شیخ احمد الزین که اخیراً از دنیا رفتند، جزو علمای تقریبی بود؛ جزو نزدیکان و دوستان ما بود. و پیش از ایشان [هم] مرحوم شیخ سعید شعبان از لبنان که ایشان هم جزو دوستان خوب ما بود. رحمت خدا بر ایشان باد که جزو کسانی بودند که به معنای واقعی کلمه معتقد به اتحاد مسلمین و معتقد به تقریب بین مسلمانها بودند. و امیدواریم ان شاء الله خدای متعال ارواح طیبه‌ی همه‌ی این کسانی را که نام بردیم و کسانی که در این زمینه تلاش کردند زیاد بودند؛ هم از عراق، هم از ایران، هم از مصر و جاهای دیگر؛ کسانی که در این زمینه تلاش کردند زیادند، دیگر من نخواستم و نمیشود اسم همه‌ی اینها را آورد – مورد رحمت و لطف خودش قرار بدهد.

چند نکته را در مورد وحدت مسلمین عرض میکنیم. یک نکته این است که اتحاد مسلمانان یک فریضه‌ی قطعی قرآنی است؛ این یک چیز دلبخواه نیست؛ این را به عنوان یک وظیفه باید نگاه کنیم. قرآن دستور داده: *واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا* (۲۲) یعنی حتی در اعتصام به حبل الله هم با اجتماع باید این کار را انجام بدهید. *واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا*؛ این «امر» است دیگر؛ چرا ما این را به یک امر اخلاقی تبدیل میکنیم؟ این یک دستور است، یک حکم است که باید بر طبق این عمل کرد؛ و همچنین آیات متعدّد دیگری که در قرآن هست؛ [مثل آیه‌ی] «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» (۲۳) تا آخر؛ این یک نکته که این یک فریضه است.

نکته‌ی دوّم؛ وحدت و اتحاد مسلمانها یک امر تاکتیکی نیست که حالا بعضی خیال کنند به خاطر شرایط خاصی ما بایستی با همدیگر متحد باشیم؛ نه، یک امر اصولی است؛ هم‌افزایی مسلمانها لازم است؛ اگر مسلمانها متحد باشند، هم‌افزایی میکنند و همه قوی میشوند؛ وقتی که این هم‌افزایی وجود داشته باشد، حتی آنهایی که مایلند – و مانعی هم نیست – که تعامل با غیر مسلمانها داشته باشند، با دست پُر وارد این تعامل میشوند. بنابراین این هم نکته‌ی بعد که این یک امر اصولی است، و امر تاکتیکی نیست.



نکته‌ی سوّم این است که علت اینکه ما در جمهوری اسلامی بر وحدت مسلمین، زیاد تأکید میکنیم، این است که فاصله زیاد است. امروز مرتباً تلاش میشود که بین فرّق مسلمین، بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد بشود؛ تلاش جدّی و برنامه‌ریزی شده. شما ملاحظه کنید، امروز کلمه‌ی «شیعه» و «سنی» وارد ادبیّات سیاسی آمریکا شده! آمریکایی‌ها به شیعه و سنی چه کار دارند؟ چند سال است که در ادبیّات سیاسی آمریکا مسئله‌ی سنی بودن و شیعه بودن وارد شده، که بله، فلان کشور شیعه‌اند، فلان کشور سنی‌اند؛ با اینکه آنها با اصل اسلام مخالفند و دشمنند امّا مسئله‌ی شیعه و سنی را رها نمیکنند. پس این چیزها هست؛ اختلافات را روزبه‌روز دارند زیاد میکنند، سوءتفاهم‌ها را زیاد میکنند. بنابراین ما تأکید میکنیم و علت تأکید ما این است. و ملاحظه هم میکنید که دست‌آموزه‌های آمریکا در هر جای دنیای اسلام که بتوانند، فتنه ایجاد میکنند. نزدیک‌ترین نمونه‌اش همین حوادث تأسّف‌بار و گریه‌آور افغانستان در این دو جمعه‌ی گذشته است که مسجد مردم مسلمان و در حال نماز را منفجر کردند؛ (۲۴) چه کسی منفجر میکند؟ داعش؛ داعش کیست؟ داعش همان مجموعه‌ای است که آمریکایی‌ها – همین گروه دموکرات آمریکا [که] الان در قدرتند] – صریحاً گفتند که این را ما به وجود آورده‌ایم؛ البته حالا نمیگویند، حالا انکار میکنند، امّا این از آنها سر زده، این را صریحاً بیان کرده‌اند. بنابراین لازم است که این قضیه را دنبال کنیم.

نکته‌ی چهارم این است که تصوّر نکنیم با این [کار] که ما هر سال در هفته‌ی وحدت دُور هم می‌نشینیم، سخنرانی میکنیم، حرف میزنیم، حالا یک جلسه، دو جلسه‌ی دیگر در این طرف و آن طرف دنیا بنشینیم دُور هم حرف بزنیم، وظیفه‌ی ما انجام گرفته؛ نه، وظیفه با این چیزها تمام نمیشود؛ لازم است که هر کسی، در هر نقطه‌ای، در هر جایی که حضور دارد، محور بحث مهمّ اتحاد باشد؛ و بحث کنیم، تبیین کنیم، تحریض کنیم، برنامه‌ریزی کنیم، تقسیم کار کنیم در این زمینه‌ها؛ این کار واجب و لازمی است که باید انجام بگیرد. حالا اینکه میگوییم برنامه‌ریزی کنیم، مثلاً در همین قضیه‌ی افغانستان که من عرض کردم، یکی از راه‌های جلوگیری از این حوادث این است که مسئولان محترم کنونی افغانستان، خودشان در این مراکز و مساجد حضور پیدا کنند، در نمازها حضور پیدا کنند، یا برادران اهل تسنّن را تشویق کنند که در این مراکز حضور پیدا کنند. اینکه میگوییم برنامه‌ریزی کنند، مثلاً این جور کارهایی را میشود در دنیای اسلام انجام داد.

نکته‌ی بعدی این است که یکی از هدفهای نظام جمهوری اسلامی که ما تعریف کردیم، عبارت است از ایجاد تمدّن نوین اسلامی؛ یعنی یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی، ایجاد تمدّن نوین اسلامی است: تمدّن اسلامی با نگاه به ظرفیتهای امروز و حقایق و واقعیّات امروز. این کار جز با اتحاد شیعه و سنی امکان‌پذیر نیست؛ این را تنها یک کشور و یک فرقه نمیتواند انجام بدهد؛ برای این بایستی همه با هم همکاری کنند. این هم نکته‌ی بعدی است؛ بنابراین این هم یک ضرورت دیگر.

یک نکته‌ی دیگر – نکته‌ی ششم – [اینکه] شاخص عمده برای اتحاد مسلمین، مسئله‌ی فلسطین است؛ مسئله‌ی فلسطین، شاخص است. اگر چنانچه اتحاد مسلمین تحقق پیدا بکند، قضیه‌ی فلسطین قطعاً به بهترین وجه حل خواهد شد. هر چه ما در قضیه‌ی فلسطین جدّیت بیشتری برای احیای حقوق ملت فلسطین به خرج بدهیم، به اتحاد مسلمین نزدیک‌تر میشویم. این مسئله‌ی عادی‌سازی‌های اخیر – که متأسّفانه بعضی از دولتها خطا کردند، خطای بزرگی کردند و گناه کردند و عادی‌سازی [روابط] کردند با رژیم غاصب و ظالم صهیونیستی – حرکتی ضدّ وحدت اسلامی و ضدّ اتحاد اسلامی است؛ از این راه باید برگردند و این خطای بزرگ را بایستی جبران بکنند. خب، این هم مسئله‌ی اتحاد. بنابراین آنچه در ابعاد جامعه‌ی اسلامی و بین‌الملل اسلامی میخواستیم عرض بکنیم، همین دو نکته بود که اینها را عرض کردیم.

و امّا آنچه مربوط به کشور ما است. اگر چه مخالفین، دشمنان دین و پیروان آمریکا سالهای سال در این کشور حکومت



میکردند اما مردم همیشه مؤمن بوده‌اند؛ ملت ایران بحمدالله از قدیم هم این جور بوده است، امروز هم از همیشه بیشتر و بهتر خودمان را پیرو پیغمبر میدانیم. خب پیروی چه جوری است؟ کلمه‌ی «پیروی» را هم دقت کنید؛ یعنی در پی او روان شدن، در پی او حرکت کردن. چه جوری حرکت کنیم؟ قرآن هم این را از ما خواسته: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ ؛ (۲۵) اسوه یعنی الگو ؛ خب ما بایستی دنبال این الگو حرکت کنیم و خصوصیاتِی که او در عمل داشت، آن خصوصیات را در عملمان ایجاد کنیم ؛ در خصوصیاتِی که در اخلاق داشت، از او تبعیت کنیم که البته با این وسعت، کار هر کسی هم نیست ؛ یعنی ماها خیلی کوچک‌تر از آن هستیم که بخواهیم با این وسعت حرکت بکنیم، لکن باید تلاش بکنیم در این زمینه.

خب، خصال حمیده‌ی پیغمبر یکی دو تا ده تا که نیست ؛ از همسر مکرم پیغمبر درباره‌ی اخلاق پیغمبر سؤال کردند، فرمود: كَانَ خَلْقُهُ الْقُرْآن ؛ (۲۶) قرآن مجسم، پیغمبر است ؛ این که خب باب وسیعی است.

من سه نکته را در مورد رسول اکرم و خصال پیغمبر انتخاب کرده‌ام که این سه نقطه را مثل اینکه سه ستاره از این کهکشان نور را انسان انتخاب بکند، ما مردم ایران بیاییم و در جمهوری اسلامی به این سه نقطه تکیه کنیم و اهمیت بدهیم و دنبال بکنیم این سه نقطه را. این سه نقطه عبارت است از صبر، عدل، اخلاق.

صبر در زندگی پیغمبر یک چیز برجسته‌ای است ؛ البته درباره‌ی صبر، مفهوم صبر و وظیفه‌ی صبر در جاهای مختلف قرآن ده‌ها آیه هست اما آن صبری هم که مربوط به پیغمبر است زیاد است ؛ بیش از ده مورد – شاید حدود بیست مورد – خطاب به پیغمبر در مورد صبر هست. مهم این است که از اوّل بعثت، خدای متعال دستور صبر به پیغمبر داده است ؛ در سوره‌ی مدثر: وَلِرَّكَ فَاصِرٍ، (۲۷) در سوره‌ی مرّمل: وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ ؛ (۲۸) – و سوره‌ی مدثر و مرّمل جزو اولین سوره‌هایی است که بر پیغمبر نازل شده – از همان قدم اوّل، خدای متعال به پیغمبر میگوید باید صبر داشته باشی. بله، من اینجا یادداشت کرده‌ام که قریب به بیست جا خطاب به پیغمبر، امر به صبر شده: «فَاصِرٍ لِّحُكْمٍ رَبِّكَ» (۲۹) تا موارد متعدّد دیگر. صبر یعنی چه؟ صبر یعنی پایداری. معروف است، در روایات متعدّد هم هست که صبر تقسیم میشود به صبر عن المعصية، صبر على الطاعة و صبر در مقابل حوادث. (۳۰) خب صبر یعنی پایداری ؛ در مقابل میل به گناه، انسان پایداری کند ؛ در مقابل بی‌حالی و بیکاری و تنبلی به انجام وظیفه، انسان پایداری کند ؛ در مقابل دشمن پایداری کند ؛ در مقابل مصائب گوناگون، خودش را حفظ کند، نقّشش را حفظ کند، پایداری کند ؛ این معنای صبر است ؛ صبر یعنی پایداری. ما امروز بیش از همه چیز احتیاج داریم به پایداری. شما مسئولینی که در اینجا تشریف دارید و مسئولین کشور در همه‌ی رده‌ها، آنچه از همه چیز برایتان مهم‌تر است صبر است. بایستی پایداری کنید، مقاومت کنید، فشارها را تحمل کنید، مشکلات را تحمل کنید و راه را ادامه بدهید ؛ متوقف نباید بشوید. لازمه‌ی صبر و پایداری برای من و شما که مسئولیم در این کشور، این است که متوقف نشویم ؛ حرکت نباید توقف پیدا کند، باید ادامه پیدا کند ؛ این صبر است. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ؛ (۳۱) این میشود پیروی از پیغمبر.

دوم، عدل و عدالت. یکی از مهم‌ترین و شاید بشود گفت مهم‌ترین هدف میانی بعثت پیغمبران، عدالت است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ؛ (۳۲) اصلاً هدف ارسال رسل و انزال کتب این بود که قیام به قسط بشود، جامعه قائم به عدل و قسط باشد. در قرآن کریم از قول پیغمبر [میفرماید]: وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم ؛ (۳۳) این هم امر خدا است که بایستی عدالت انجام بگیرد. همه‌ی عقلای عالم هم البته این را قبول دارند ؛ یعنی حتی ظالم‌ترین قدرتهای عالم و عناصر شریر عالم نمیتوانند منکر حُسن عدالت بشوند ؛ حتی بعضی‌ها با وقاحت تمام، ادّعای عدالت هم میکنند، در حالی که ظالمند! قرآن کریم عدالت را حتی در مورد دشمنان لازم میداند ؛ این کسی که دشمن ما است، در مورد او بی‌عدالتی نباید بکنیم. وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَنُ الْقَوْمِ عَلَىٰ أَلا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ؛ (۳۴) با دشمن هم حتی بایستی شما با عدالت رفتار بکنید. پس بنابراین، این هم



یک وظیفه‌ی دیگر است و [مخاطب] این هم باز در درجه‌ی اول ما مسئولین هستیم. شما هر تصمیمی که میگیرید، هر مقرره‌ای که انجام میگیرید، چه در مجلس شورای اسلامی که قانون تصویب میکنید، چه در دولت، چه در بخشهای مدیریتی گوناگون دیگر در سراسر کشور، یکی از مهم‌ترین چیزهایی که مورد نظر قرار میدهید باید مسئله‌ی عدالت باشد که آیا این بر طبق عدالت است یا نیست. یک جاهایی لازم است تا پیوست عدالت برای آن مقرره ترتیب داده بشود که معلوم بشود که این مقرره جوری انجام میگیرد، این قانون جوری اجرا میشود که بر طبق عدالت باشد.

این هم مطلب دوم که اگر بخواهیم عدالت را رعایت کنیم، توجه بشود که عدالت فقط هم تقسیم اموال و ثروت نیست؛ عدالت در همه چیز است؛ عادلانه برخورد کردن [در همه چیز]. امروز در فضای مجازی انسان گاهی اوقات بی‌عدالتی مشاهده میکند؛ خلاف میگویند، تهمت میزنند، دروغ میگویند، قول بغیر علم میگویند؛ اینها بی‌عدالتی است، اینها نباید انجام بگیرد. آن کسی که با فضای مجازی سر و کار دارد، باید خودش مراقبت کند، و آن کسی که فضای مجازی را در اختیار دارد، بایستی مراقبت مضاعف بکند که این کارها انجام نگیرد. یاد بگیریم، عادت کنیم که عادلانه با مردم رفتار بکنیم؛ عادلانه. حرف هم که میزنیم، شما ممکن است با یک نفری بد باشید، او را قبول هم نداشته باشید؛ عیبی ندارد، نظر شما است، ممکن است نظر درستی هم باشد اما این را با تهمت، با دروغ، با اهانت، با این چیزها نبایستی آلوده کرد؛ آلوده شدن اینها خیلی بد است. این هم مسئله‌ی عدالت.

سرانجام مسئله‌ی اخلاق؛ پیروی از پیغمبر در اخلاق که خدای متعال فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ (۳۵) چیزی را که خدای خالق عظمت عظیم بداند، این دیگر از لحاظ عظمت فوق‌العاده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». این اخلاق بایستی برای ما به عنوان یک دستورالعمل همواره مورد نظر قرار داده بشود. اخلاق اسلامی [داشته باشیم]: تواضع داشته باشیم، گذشت داشته باشیم – اینها اخلاق اسلامی است – سهل‌گیری در مسائل شخصی داشته باشیم. در مسائل عمومی و آنچه به حقوق مردم و حقوق دیگران مربوط است، نه، سهل‌انگاری جایز نیست اما در مسائل شخصی سهل‌انگاری داشته باشیم، سهل‌گیری داشته باشیم؛ احسان، پرهیز از دروغ، پرهیز از تهمت، پرهیز از سوءظن به مؤمن، گذشت از مؤمنین. در یکی از دعاها، صحیفه‌ی سجّادیه عمده‌ی مضمون این دعا همین است که پروردگارا! هر کسی که به من ظلم کرده، به من [مطلب] ناروایی نسبت داده، کار خلافی کرده، من مظلمه‌ای بر گردن او دارم، از او گذشتم؛ این دعای امام سجّاد در صحیفه‌ی سجّادیه است. اینها است دیگر؛ بایستی وظایفمان را عمل کنیم.

برادران عزیز، خواهران عزیز! باید عمل کرد، باید اقدام کرد، با ادعا مسائل تمام نمیشود؛ ما ادعا میکنیم مسلمانیم، ادعا میکنیم جمهوری اسلامی هستیم، باید واقعاً اسلامی باشیم، باید پیرو پیغمبر باشیم. این ولادت با عظمت، این ولادت مبارک یک فرصتی است برای اینکه روی این قضیه فکر کنیم، مطالعه کنیم، عزم راسخی در این راه برای خودمان اتخاذ کنیم.

مجدداً به همه‌ی شما تبریک عرض میکنم؛ به ملت عزیز ایران تبریک عرض میکنم؛ به همه‌ی مسلمانان عالم و به امت اسلامی تبریک عرض میکنم؛ به آزادگان عالم تبریک عرض میکنم؛ به ارواح طیبه‌ی شهیدان راه اسلام و راه مکتب نبوی درود میفرستم؛ به روح مطهر امام بزرگوارمان که این راه را روی ما باز کرد و ما را به این کار بزرگ هدایت کرد، درود میفرستیم و از خدای متعال، رضوان و رحمت خودش را برای همه‌ی آنها مسئلت میکنیم و توفیقات عموم مردم ایران بخصوص شما مسئولین را، همچنین شما میهمانان و خودمان را از خدای متعال طلب میکنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



۱ (در ابتدای این دیدار، حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (رئیس جمهور) مطالبی بیان کرد.

۲ احمد شوقی (شاعر ونویسنده ی مصری)

www.leader.ir

۳ سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۶۴ ؛ «بییقین، خدا بر مؤمنان متّ نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت ...»

۴ سوره ی احزاب، آیات ۴۱ و ۴۲ ؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار. و صبح و شام او را به پاکی بستاید.»

۵ سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۷۶ ؛ «کسانی که ایمان آورده اند، در راه خدا کارزار میکنند. و کسانی که کافر شده اند، در راه طاغوت میجنگند. پس با یاران شیطان بجنگید. ...»

۶ سوره ی مزمل، آیات ۲ تا ۴ ؛ «به پا خیز شب را مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه، یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان.»

۷ سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۸۴ ؛ «پس در راه خدا پیکار کن، جز عهده دار شخص خود نیستی. و[لی] مؤمنان را [به مبارزه] برانگیز. ...»

۸ سوره ی حشر، بخشی از آیه ی ۹ ؛ «... و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدّم میدارند. ...»

۹ همان، بخشی از آیه ی ۷ ؛ «... تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. ...»

۱۰ سوره ی حدید، بخشی از آیه ی ۲۵ ؛ «... تا مردم به انصاف برخیزند. ...»

۱۱ سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۵ ؛ «و اموال خود را- که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده- به سفیهان مدهید ...»

۱۲ سوره ی توبه، بخشی از آیه ی ۱۰۳ ؛ «از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی...»

۱۳ سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی ۶۰ ؛ «اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط میکنیم ...»

۱۴ سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۸۳ ؛ «و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند...»

۱۵ سوره ی انبیاء، بخشی از آیه ی ۷۳ ؛ «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز ... را وحی کردیم...»

۱۶ سوره ی سجد، بخشی از آیه ی ۲۴ ؛ «و چون شکیبایی کردند ... برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت میکردند.»

(۱۷ کافی، ج ۴، ص ۴۶۶

۱۸ آیت الله محمدعلی تسخیری (دبیرکل پیشین مجمع تقریب مذاهب اسلامی)

۱۹ نخستین دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی

۲۰ رئیس پیشین مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

۲۱ برانگیختن تمایل یا انگیزه، تحریک کردن

۲۲ سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۰۳ ؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید ...»

۲۳ سوره ی انفال، بخشی از آیه ی ۴۶ ؛ «... و با هم نزاع کنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود ...»

۲۴ در پی دو حمله ی انتحاری که در ۱۶ و ۲۳ مهر به مساجد محل برگزاری نماز جمعه ی شیعیان در ولایات قندوز و قندهار به وقوع پیوست، بیش از ۳۰۰ نفر شهید و مجروح گردیدند. مسئولیت این انفجارها را گروه تکفیری و تروریستی داعش بر عهده گرفت.

۲۵ سوره احزاب، بخشی از آیه ی ۲۱ ؛ « قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکو است برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد ...»



www.majlis.ir

- (۲۶) مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۳، ص ۲۳۶
- (۲۷) سورهی مدثر، آیهی ۷ ؛ «و برای پروردگارت شکیبایی کن.»
- (۲۸) سوره مزمل، بخشی از آیهی ۱۰ ؛ «و بر آنچه میگویند شکیبا باش...»
- (۲۹) از جمله، سورهی قلم، آیهی ۴۸ ؛ «پس در [امثال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز...»
- (۳۰) کافی، ج ۲، ص ۹۱
- (۳۱) سورهی احزاب، بخشی از آیهی ۲۱ ؛ «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکو است...»
- (۳۲) سورهی حدید، بخشی از آیهی ۲۵ ؛ «براستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...»
- (۳۳) سورهی شوری، بخشی از آیهی ۱۵ ؛ «... و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم...»
- (۳۴) سورهی مائده، بخشی از آیهی ۸ ؛ «... و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید ؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است...»
- (۳۵) سورهی قلم، آیهی ۴ ؛ «و راستی که تو را خوبی والا است.»